

روزنامه سیاسی ،اقتصادی ،فرهنگی ، اجتماعی ، ورزشی صبح ایران
www.sharghnewsaper.ir- پست الکترونیکی: Info@sharghnewsaper.ir

صاحب امتیاز و مدیر مسئول : مهدی رحمانیان

نشانی : تهران ، خیابان آفریقا ، بلوار گلشهر ، پلاک ۴۶

تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴
شماره: ۲۲۰۳۴۵۱۵

سازمان آگهی ها : ۷۰۹۰۲۲۰ (خط۲۰)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰

امور مشترکین- تلفن : ۲۰۰-۶۶۹۷۱۱۹۹،
شماره: ۴۱۶۵۰۶۴۴

امور فنی ، آتلیه و لیتوگرافی : روزنامه شرق- چاپ : افست

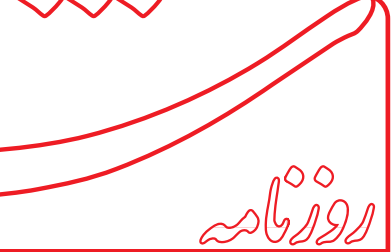


راهنمای امروز

تلويزيون امروز		
روشنای‌های شهر (تکرار)	دو	۱۳
ماموران مخفی پلیس (تکرار)	یک	۱۵/۱۰
زندگی به شرط خنده (تکرار)	پنج	۱۵/۳۰
سریال مزد ترس	دو	۱۶
سریال پشت پرده هم	پنج	۱۹
کاپیتان	سه	۲۰/۱۵
سینمای دیگر	دو	۲۱
زندگی به شرط خنده	پنج	۲۱
روزهای به یاد ماندنی	یک	۲۲/۱۰

سینمای امروز
ازدواج به سبک ایرانی (حسن فتحی)
قدس- ایران۳- فلسطین ۱- مرکزی ۲- جی ۱- جوان ۱- گلریز ۲- حافظ - میلاد- صحرا
هوو (علیرضا داوودنژاد)
عصر جدید ۱- مرکزی ۳- جی ۳- سعدی- پارس- شیدا
آتش بس (تهمیمه میلانی)
فرهنگ ۱- آفریقا- ایران۱- عصرجدید ۲- پارس ۱- گلریز ۱- آسیا- بهمن ۲- قیام- جوان۲- پروزی- المپیا- تهران۱- سپیده ۱- شاهد- ماندانا- پایتخت- ناهید
چند می گیری گریه کنی (شاهد احمدلو)
استقلال- جمهوری- بلوار- آستارا- کارون- بهمن ۱- شاهد- فردوسی- مرکزی ۱- دهکده- سروش- ملت- پیوند- تهران ۲
مربای شیرین (مرضیه برومند)
فرهنگ ۲- سپیده ۲- فلسطین ۳ شهر تماشا۲- کانون- اروپا- شیرین

تجسمی امروز
نمایشگاه نقاشی مسعود سالمی
نگارخانه شیت ۷۶۸۱×۶۶۷
نمایشگاه نقاشی مانیا اکبری
گالری ماه ۷۵۸۹×۲۲۰۴
کارگاه نقاشی
نگارخانه لاله ۱۶۵۸×۸۸۴۲
نمایشگاه سفال و نقاشی فوزه بهرامی
نگارخانه سریر ۴۲۲۸۷×۸۸۰
نمایشگاه طراحی – حجم برمک عالیخانی
نگارخانه شاهد ۶۶۹۶۹۶۲۶×۶۶۹
نمایشگاه نقاشی نیلوفر قادری نژاد
نگارخانه طراحان آزاد ۸۶۷۶×۸۸۰۰
نمایشگاه نقاشی فهیمه سکه چی
نگارخانه فام ۲۵۹۴۸۴×۲۲۵
نمایشگاه نقاشی شهریار احمدی
گالری گلستان ۱۵۸۹×۲۲۵۴
نمایشگاه نقاشی مرتضی و طاه‌ا حدیدی
نگارخانه کمال‌الدین بهزاد ۴۵۳×۸۸۹۶
نمایشگاه نقاشی گروهی
نگارخانه مهرین ۹۴۶×۸۸۲۴
نمایشگاه آثار حجم مجید شیخ اکبری
فرهنگسرای نیاوران ۲-۲۲۲۸۷۰۸۱



سال سوم ■ شماره ۷۶۰ ■ دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۵ ■ ۱۷ربیع الثانی ۱۴۲۷ ■ ۱۵ مه ۲۰۰۶

فرهنگی



برای اولین بار اکران فیلمی از جلیلی در ایران

«گل یا پوچ» بر خلاف دیگر ساخته‌های جلیلی فضای مفرح و شادی است. جلیلی فکر می‌کند به نمایش عمومی در سینماهای ایران را پیدا نکرده‌اند. البته چند سال پیش صداوسیما در اقدامی قابل توجه، مجموعه‌ای از فیلم های این کارگردان را به نمایش گذاشت. جلیلی پیش از این گفته بود: اگر شرایط اکران «گل یا پوچ» فراهم شود، موقعیت بسیار جالبی است، چون اولین فیلمی که از او در ایران اکران می‌شود، یک فیلم مفرح است. «گل یا پوچ» تاکنون جایزه موزه سینمای فرانسه و جایزه جوانان سینمای فرانسه را دریافت کرده است. ابوالفضل جلیلی «گل یا پوچ» آخرین ساخته‌اش را در سکوت خبری ساخت. وی که برای ساخت جدیدترین فیلمش با عنوان «حافظ» بیش از شش هفته ماه بین تهران و چابهار در رفت‌وآمد بود، فیلمبرداری فیلم «گل یا پوچ» را در همین رفت و آمدها به چابهار آغاز کرد!او زمانی که برای ساخت «حافظ» به چابهار رفته بود تا زمانی که شرایط ساخت آن فراهم شود، به پسرش گفته بود که یک فیلم بسازد و برای مدرسه فیلم سازی اش در فرانسه ببرد، پسر او نیز موافقت کرده و به مرور «گل یا پوچ» شکلی می‌گیرد اما در اواسط کار، پسر ترجیح می‌دهد کنار کشیده و این فیلم، فیلمی می‌شود که کارگردانی آن بر عهده جلیلی می‌افتد.



سلیقه سازی یا سلیقه بازی؟



نگاه روز

حقیقت تصور غالب این است که فیلمساز به جای اینکه ناکامی نوید را در به دست آوردن شغل مورد علاقه خود به عنوان حقیقت غم‌بار زندگی نشان دهد، یک کم‌دی سیاه را به تصویر می‌کشد. « به نوشته این نشریه تماشاگرانی که «گل یا پوچ» را دیده‌اند در ابتدا طنز موجود در داستان را به درستی درنیاافته‌اند اما وقتی مشخص شد نوید در واقع قربانی ساده‌لوحی و خودبزرگ بینی خودش شده، همه به‌خنده افتادند.

ناشران برگزیده کودک و نوجوان در سال ۱۳۸۴



خبر روز

بوده است، در این نمایشگاه شرکت کرده بود. هیات‌داران اسامی ناشران برتر نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را در دو بخش ناشران داخلی و ناشران خارجی اعلام کردند. انتشارات نوید شیراز، انتشارات افق و انتشارات موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی در بخش ناشران داخلی و انتشارات جان وبلی و دارالهادی در بخش ناشران خارجی به عنوان ناشران برتر نمایشگاه نوزدهم معرفی شدند. در بخش بزرگسال هم انتشارات عابدان تـهـرـان ، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب(ع) از قم و انتشارات بوستان کتاب از قم به عنوان ناشران برگزیده سال ۱۳۸۴ در بخش بزرگسال انتخاب شدند.



سال سوم ■ شماره ۷۶۰ ■ دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۵ ■ ۱۷ربیع الثانی ۱۴۲۷ ■ ۱۵ مه ۲۰۰۶

آبادان +۲۸+۳۵	بیرجند +۱۸+۳۱	سندج +۱۹+۳۰	همدان +۱۰+۳۱
اراک +۱۲+۲۵	تهران +۱۶+۲۷	شهرکرد +۱۱+۲۰	یاسوج +۱۸+۳۱
اردبیل +۸+۱۵	تبریز +۱۱+۲۱	شیراز +۲۱+۳۲	یزد +۲۰+۳۱
ارومیه +۸+۲۵	خرم‌آباد +۱۳+۲۱	قزوین +۱۱+۱۵	دبی +۲۵+۴۱
اصفهان +۱۴+۳۰	رشت +۱۲+۱۷	کرمان +۲۱+۳۰	+۲۵+۳۶
اهواز +۲۳+۳۵	زاهدان +۲۳+۳۶	کرمانشاه +۱۱+۲۲	+۲۵+۴۰
ایلام +۱۸+۲۸	زنجان +۸+۲۵	کاشان +۱۵+۲۸	+۲۴+۳۴
بجنورد +۱۷+۲۵	زابل +۲۷+۴۱	کیش +۲۸+۲۲	+۱۰+۲۰
بندرعباس +۲۵+۳۶	ساری +۱۵+۲۰	گرگان +۱۶+۳۰	+۱۰+۲۳
بوشهر +۲۹+۳۱	سمنان +۱۷+۳۰	مشهد +۱۵+۳۱	+۱۰+۱۹

تهران : اذان ظهر : ۱۲:۰۰ اذان مغرب ۱۹:۲۲ اذان صبح فردا ۳:۰۲۱

نوبت عاشقی

درست در روزهایی که بحران‌های سیاسی و اجتماعی به اوج خود رسیده‌است؛ درست در روزهایی که روزنامه‌ها را اخبار سیاسی و اجتماعی و حوادث عجیب و غریب احاطه کرده‌اند، درست در روزهایی که مردم به شوخی و جدی اخبار روز را از هم پی می‌گیرند؛ درست در روزهایی که روسای اروپایی در آستانه تصمیمی مهم هستند، درست در روزهایی که بین روسای سیاسی جهان نامه‌های سرنوشت‌ساز رد و بدل می‌شود، درست در روزهایی که درصدهای غنی‌سازی اورانیوم سیر صعودی طی می‌کنند درست در چنین روزهایی سرحلقه قلندران، پیر دید ما، پیژامه‌پوش تندخوی، دمدت از آهن‌دلی کشیده و تریپ لاو، برداشته است. چه گبری افتاده‌ام، من؟ آقای کیورچالی: چرا این طوری نگاهم می‌کنید؟ جرم که مرتکب نشده‌ام. می‌خواهم تجدید فراش کنم. . . . آقای مویدی: ما که بخیل نیستیم. اما جواب زنت را چه می‌دهی؟ عشق پیری گر بچند، سر به رسوایی زند. آقای امیرشاهی: حالا طرف کی هست؟ چه کاره هست؟ سرت کلاه نرود. بهت قالب نکنند؟ نوزرد از آب درنیايد؟ آقای روشن ضمیر: به شرط چاقو بخر.

آقای مویدی: هندوانه که نمی‌خواهد بخرد. حساب یک عمر زندگی است.

آقای امیرشاهی: کجا حساب یک عمر زندگی است؟ کیورچالی خیلی بخواهد عمر کند و از دست حضرت عزرائیل درببرود، هفت هشت سال دیگر در خدمتش هستیم. به این هفت هشت سال که «عمر» نمی‌گویند.

چشم روی هم بگذارد تمام شده.

آقای مویدی: با این حال آدم باید حواش جمع باشد. ندیده و نشناخته که نمی‌شود. باید تحقیقات کرد. باید ببینی خانواده‌اش چه کاره‌اند. بزرگ ترش کیست؟ بی‌گدار که نمی‌شود به آب زد.

آقای مویدی: کسی که بخواهد زن کیورچالی بشود

که دیگر زرگ‌تر ندارد. خودش بزرگ‌تر فامیل است، احتمالاً.

آقای کیورچالی: اصلاً هم این طور نیست. اگر دنبال مادر بزرگ می‌گشتم که زن خودم بود، چه حاجت به این رسوایی؟ من از زن خودم، البته ناراضی نیستم. زنان پیر زن مثل زن من/ هنوز البته خوبند و خیراند/ خرید کوچ‌و و بازار را خوب/ یلان، با کسب بد هم نبردان/ هوای کارها در دست و هشیار/ از پیر دیر گاهی بیشتران/ ولی- به فکر بچه‌ها بیش از تو، و آنگاه و طلبکاری نه کم زیر و زبودان.

من دنبال کسی هستم که مرادک کند. حرف مرا بفهمد. شعر برایش می‌گشتم که زن خودم بود، چه حاجت به این سر کوچ‌و سبزی و نان و ماست و پنیر بخر. من دنبال . . . من دنبال . . . اصلاً می‌دانید من چه می‌خواهم؟ زنی سی‌ساله خواهم، یا کمی بیش/ نگویم تو گلی از تازه وردان/ وگر خود تو گلی هم گیرم آمد نیم ناشکر و گویم: نازلی هردان؟/ نجیب و سازگار و خانه‌بانو/ کنایه گوشه‌خوان، قدر هزدان.

آقای مویدی: پس شرط و شروطت را هم گذاشت خدا عاقبت را چه خبر کنی. حالا طرف کی هست؟ آقای امیرشاهی: نکند توی همان پارکی که عصرها می‌روی قدم می‌زنی پیدایش کرده‌ای؟ آقای کیورچالی: از اتفاق همان‌جا آشنا شده‌ایم. هوای بهار جان می‌دهد برای همین قدم‌زدن‌ها.

آقای روشن ضمیر: خب اگر ایظور است که می‌گویی

ما هم از فردا می‌آیم توی پارک (. . .)مگر ما بد قدم می‌زیم.

آقای مویدی: یا پاک یکت سر قدم نروی. این چه کاری است که می‌خواهید بکنید. از آبرو و حیثیتان نمی‌ترسید؟ فردا که تیری انتظامی دستگیرتان کرد و وارونه سوار الاغ‌تان کرد و آفتابه به گردنتان انداخت و دور شهر چرخ‌اندن‌تان می‌بینتان. حتماً طرف هم جزء آن گروه دخترانی است که اگر پلیس پیدایش کند باید پنجاه هزار تومان جریمه‌اش کند. آقای کیورچالی: اصلاً این طور که می‌گویید نیست. اتفاقاً چندبار هم پلیس ما را هم دید. جریمه که نکرد هیچ، حتی تذکر هم نداد. فقط به عنوان یک شهروند خوب گفت: «خسته نباشید».

آقای امیرشاهی: جدا که خسته نباشید. حالا بگو ببینم طرف خواهری، دخترخاله‌ای، همکاری، دوستی ندارد که به ما هم معرفی کنی، کوپل قدم بزنیم.

آقای روشن ضمیر: اگر مادری، خاله‌ای، عمه‌ای یا مادر بزرگ بیوهای هم داشت، به فکر میرفاح هم باش.

آقای کیورچالی: بنده از این کارها بلد نیستم. من بفهمی نفهمی قلدری به فکر عاشقی افتاده‌ام. می‌خواهم فعالیت‌های سیاسی را کنار بگذارم، با زن فعلی‌ام هم خداحافظی کنم. دمدت این نور دیده را بگیرم و بروم جنوب اسپانیا که راه آدم و هوا بیویم / و گرگاهی رضا باشد، بگردان.

آقای مویدی: می‌دانم مشکل کجاست. «دوتا زنگوله خواهی پای تابوت / که مادرخوان بوند از نی بذران» آقای روشن ضمیر: حالا با هم قرار و مدار گذاشته‌اید.

رضایت طرف را گرفته‌ای.

آقای کیورچالی: والله، فعلاً که پنجاه درصد ماجرا حل است. اما آن پنجاه درصد دیگر را حقیقتاً خجالت می‌کشم مطرح کنم. می‌خواستم ببینم اگر مویدی بزرگ‌تری کند، نباید با پیش بگذارد.

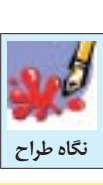
آقای مویدی: بنده به گور خودم و شما سه بزرگوار و این میرفاح که هر چه آتش است از گور او بلند می‌شود می‌خندم.

میرفاح: من چه گناهی کرده‌ام.

mirfatah@yahoo.com

توضیح و پوزشی

روز گذشته در صفحه ۱۶ روزنامه شرق عکس‌های خانم شادی قدیریان بدون ذکر نام ایشان و به همراه پانوشتی بی‌ارتباط به نام ایشان منتشر شد. دلیل این اتفاق تعویض عکس‌ها در آخرین مراحل صفحه‌آرایی و عدم توجه به ضرورت حذف پانوشت بود. از ایشان پوزشی می‌طلبیم.



علی دیواندزی

کنسرو



یک ماه مرخصی لطفاً

پژمان راهبر: صبح ۱۹ خرداد احتمالاً اولین ویژه‌نامه چهار صفحه‌ای شرق منتشر شده و باید با انرژی تمام قبل از ظهر به شرق برسی برای ویژه‌نامه فردا. صفحه یک هم به مناسبت افتتاحیه جام جهانی با ما است. روز پرفشاری است. آرش و علی رفته‌اند آلمان و مرتب باید میل ات را چک کنی و ببینی از آنجا چه می‌فرستند. این یک تکلیف ۳۰ روزه است؛ از آغاز جام جهانی تا پایان آلمان ۲۰۰۶. ده روز اول روزی سه بازی داریم؛ ۲۷۰ دقیقه چهار ساعت و نیم. مسلم است که شانس چندانی برای تماشا نداریم. کلاً شرایط ایجاب می‌کند به‌جای تماشای مسابقات جام‌جهانی بین تحریریه و صفحه‌بندی بدویم. چهار سال پیش در روزنامه جهان فوتبال هم اوضاع مثل امسال بود. طی کردن چار- و چهار. گاهی بلند بین طبقه سه و چهار.



هنر فوتبال

رادیو گفتگو آمد

می‌دانیم. به علاوه اینکه برنامه‌ها از شش بعدازظهر تا دوازده شب روی موج افام، ردیف ۱۰۳/۹ مگاهرتز قابل دریافت است. عناوین اعلام شده درباره برنامه‌های رادیو گفتگو این سوال را به ذهن می‌آورد که آیا این برنامه‌ها قابلیت پخش از ایستگاه‌های دیگر را ندارند. مثلاً برنامه‌های مربوط به هنر، تاریخ و رسانه‌ها آیا نمی‌شود از رادیو فرهنگ پخش شوند؟ یا برنامه‌های دین و اندیشه برای رادیو معارف مناسب نیست؟ گمان می‌کنم که مسئولان رادیو خبر دارند که برنامه‌های شبکه‌های مختلف رادیویی اقبالی نزد مردم ندارند. برای همین هم شبکه جدید راه می‌اندازند و سعی می‌کنند مردم را متقاعد کنند که به رادیو گوش کنند. اما راهش این نیست. تقویت شبکه‌های موجود رادیویی و کمک کردن به بالا رفتن کیفیت آنها مهمتر است تا اینکه مدام شبکه ایجاد کنیم. پولی که خرج شبکه‌های جدید می‌شود، شاید بهتر باشد در همان ایستگاه‌های موجود هزینه شود. از روز روشن تر است که رادیو با حداقل‌ها می‌سازد. حالا این باشد تا برنامه‌های رادیو گفتگو را بشنویم و بیشتر از آن بنویسیم.

سامان مقدم کاندیدای اول ساخت کلیپ جام جهانی



به همراه داشت که واقعاً فکر می‌کردم بهترین خواننده دنیا هستم. پژمان جمشیدی نیز با بیان اینکه ما اصلاً ادعایی را درخصوص ارائه اثری جذاب نداریم، گفت: شاید این کار از نظر ما زیبا باشد و خوب و بد بودن این کار را مردم باید تشخیص بدهند. وقتی این گروه دور هم جمع شد خداوند کمک کرد و به قدری کارها تفکیک شد که تاکنون خوب پیش رفته‌ایم. وی با بیان اینکه مهمترین دغدغه‌ای که داریم همکاری با یک کارگردان خوب برای ساخت کلیپ این ترانه است، گفت: آقای تقوایی فوتبال را خیلی دوست دارد، اما چون زمان زیادی نداریم پیشنهاد کارگردانی کلیپ را به ایشان ندادیم اما با سامان مقدم صحبت‌هایی کرده‌ایم و خیلی دوست داریم با ایشان کار کنیم و او کاندیدای اول ما است.



موسیقی